

موانع غیرقابل عبور در مقابل طرح اسرائیل برای «پاکسازی قومی» غزه



هنگامی که پیروزی در میدان نبرد ممکن است به شکست تاریخی تبدیل شود

دمیتری مینین (DMITRY MININ)

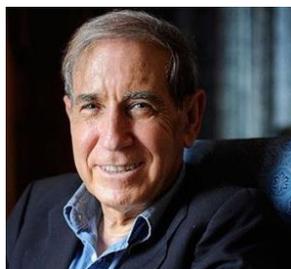
ا. م. شیری

از همان روز اول عملیات تلافی‌جویانه «شمشیرهای آهنین» ارتش اسرائیل علیه جنبش حماس در غزه، رهبری نظامی-سیاسی اسرائیل به انتشار بیانیه‌هایی مبنی بر این منتشر کرد که این بار مشکل غزه باید به شکل «نهایی» و به گونه‌ای حل شود که دیگر هرگز «مانند قبل نخواهد شد». همان دم، صدای نگرانی در جهان شنیده شد که آیا انتقام‌جویی علیه حماس به خاطر عملیات طوفان الاقصی، به اخراج کل جمعیت فلسطین از سرزمینشان منجر خواهد شد؟ و آیا از همان ابتدا این هدف نبود؟



سرتیپ ارتش اسرائیل آر. گافمن: «بیایید برویم و همه آنها را بکشیم!»

شلومو بن آمی، وزیر امور خارجه سابق اسرائیل در «پروژه سندیکا» می‌نویسد که این گستاخی «رادیکال‌ترین، متعصب‌ترین و بی‌کفایت‌ترین دولت در تاریخ اسرائیل» بود که آن را دچار «خشم نمسیس» فعلی کرد. به عقیده وی، دولت نتانیاها با رد هرگونه روند سیاسی در فلسطین و اعلام اینکه «مردم یهود حق انحصاری و غیرقابل سلب بر تمام نقاط سرزمین اسرائیل دارند»، خونریزی را اجتناب‌ناپذیر کرد. «او برای حمایت از شرکای ائتلافی خود هر بهایی را بی پروا پرداخت و به آنها اجازه داد تا زمین‌های فلسطینی‌ها را تصرف کنند، شهرک‌های غیرقانونی را گسترش دهند، احساسات مسلمانان را نسبت به مساجد مقدس در کوه معبد تحقیر کنند و توهمات خودکشی در مورد بازسازی معبد یهودی در اورشلیم را ترویج کنند (دستورالعمل برای همه مسلمانان جهادی)».



شلومو بن آمی

اما مهم‌تر از همه، جریان عملیات نظامی، که بدون اتکاء به «نظریه توطئه» قابل توضیح نیست، به منطق بیرون راندن فلسطینی‌ها از زیستگاهشان منجر می‌شود. درخواست دولت برای انتقال یک میلیون و یکصد هزار نفر فلسطینی از شمال به جنوب غزه از سراسر منطقه در عرض ۲۴ ساعت دقیقاً به عنوان آغاز یک «پاکسازی قومی بزرگ» تلقی شد. در واقع، حماس در سراسر نوار غزه گسترده است و در جنوب، در نزدیک تونل‌های منتهی به مصر، از هر جای دیگر قوی‌تر است. بنابراین، هنگامی که بعد از نابودی بخش شمالی، «شمشیرهای آهنین» به این منطقه حرکت کنند، مردم به کجا خواهند رفت؟ البته که جایی برای بازگشت آنها وجود نخواهد داشت و تنها یک راه باقی خواهد ماند - صحرای سینای مصر.



نتانیاهو در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲: «ببینید، جای زیادی برای فلسطینی‌ها وجود دارد!»

در قاهره که متوجه این موضوع شدند، به وحشت افتادند. زیرا، مسئله فقط دلسوزی برای مردم برادر فلسطین نیست، بلکه در مورد بقای رژیم نیز هست. پذیرش دو و نیم میلیون نفر پناهنده برای اقتصاد شکننده مصر یک بار غیرقابل تحمل خواهد بود. مخالفت آنها با باز شدن گذرگاه مرزی رفح بیهوده نیست. مگر با ارسال کمک‌های بشردوستانه - با برداشته شدن کامل محدودیت‌ها نمی‌توان جلوی بهمن مردم را گرفت؟ حماس بلحاظ تاریخی شاخه فلسطینی «اخوان المسلمین» مصر (ممنوعه در روسیه)، دشمن قسم‌خورده رئیس جمهور السیسی است. مصر در حال حاضر با مشکلات زیادی برای مهار فعالیت خود در سینا، که مقامات رسمی، عمدتاً تنها منطقه تفریحی شرم الشیخ را کنترل می‌کنند، مواجه است. ورود هزاران اسلام‌گرای مسلح جدید به راحتی می‌تواند کشور را به ورطه جنگ داخلی بکشاند. السیسی در ۱۷ اکتبر در دیدار با اولاف شولتز صدراعظم آلمان در قاهره نیز گفت: «انتقال شهروندان فلسطینی از نوار غزه به صحرای سینا صرفاً به معنی انتقال مبارزه و مقاومت از غزه به سینا است و در نتیجه، سینا به یک پایگاه برای عملیات نظامی علیه اسرائیل تبدیل خواهد شد». و لذا در این صورت، «اسرائیل سعی خواهد کرد با اعزام نیروهای مسلح خود به مصر و سینا از خود دفاع کند». به این ترتیب، او دورنمای یک جنگ احتمالی جدید مصر و اسرائیل را ترسیم کرد. مصری‌ها نیز آشکارا از موضع غرب به رهبری آمریکا که نه خواهان لغو طرح اخراج، بلکه، فقط می‌خواهند زمان

اضافی برای اجرای آن داده شود، آزرده خاطر هستند و می‌گویند آنها در عرض یک روز نمی‌توانند خارج شوند. در ضمن، تهدید مصر برای انتقال پناهندگان به اروپا زمانی که آنها به راندن مردم غزه به خاک این کشور شروع می‌کنند، کاملاً واقعی است. البته، اگر صدها کشتی حامل فلسطینی‌ها را هنگام حرکت به سواحل اروپا غرق نکنند، می‌تواند یک سنگ تمام عیار اخلاقی باشد.



ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن

اردن نیز که شاهد شدیدترین اعتراضات توده‌ای علیه رخدادها بوده، بشدت نگران شده است. زیرا، بیش از یک سوم از جمعیت ۱۰ میلیونی آن را پناهندگان سابق فلسطین تشکیل می‌دهند. ملک عبدالله دوم پادشاه اردن که فلسطین در کشورش عملاً «تحقق یافته»، به موضع دولت کنونی اسرائیل به خوبی آگاه است و بی‌دلیل نیست که از گسترش نمونه غزه به سرزمین‌های کرانه باختری اردن بیم دارد. علاوه بر این که تحمل سنگینی ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار پناهنده برای اردن بسیار دشوار خواهد بود، ورود آنها می‌تواند به معنای پایان سلسله هاشمی در این کشور باشد. این کشور که شورش‌های فلسطینی به سختی سرکوب شده («سپتامبر سیاه») را تجربه کرده، می‌داند که موج جدید پناهندگان، تاج و تخت سلطنتی را قطعاً از میان برخواهد داشت. اتفاقی نیست که عبدالله دوم (از طرف مادر، انگلیسی)، غربگراترین رهبر جهان عرب، اخیراً یک خط بشدت سخت در قبال اسرائیل در پیش گرفته است. پس از حمله هوایی به بیمارستان المعمدانی در غزه که به کشته شدن صدها غیرنظامی منجر شد، او نشست «چهارجانبه» آمریکا-مصر-اردن-فلسطین (فتح) که توسط واشینگتن به او تحمیل شده بود و قرار بود در جریان سفر «تاریخی» جو بایدن به منطقه، در عمان برگزار شود، در ۱۸ اکتبر جاری لغو کرد. وقتی بایدن بر خلاف تصاویر و فیلم‌های واضح، اظهار می‌دارد که انفجار در بیمارستانی در غزه، «به نظر می‌رسد توسط گروه دیگری، نه ارتش اسرائیل، انجام شده است»، در واقع، خطر محو آخرین بقایای اعتماد به سیاست آمریکا در خاورمیانه را به دنبال دارد.



سفر جو بایدن به اسرائیل-۱۸ اکتبر

پیش از این، قاهره و عمان به نمایندگی از رهبران خود هرگونه طرح اخراج فلسطینیان را قاطعانه رد کرده بودند. اگر به خواست آنها توجه نشود، ممکن است روابط دیپلماتیک خود را با اسرائیل که پس از سال‌ها تلاش برای عادی‌سازی برقرار کرده بودند، قطع کنند و دوباره به موقعیت نحس قبلی در منطقه بازگردند.

جامعهٔ خشمگین اسرائیل از شهادت هموطنان خود که هنوز نمی‌تواند وضعیت را به طرز منطقی ارزیابی کند و آماده است از تمام اقدامات سخت دولت این کشور که به هزینهٔ مرکزگرایان گسترش یافته، حمایت کند. اما این موضوع باعث رفع مسئولیت نمی‌شود. حتی در حال حاضر، ۸۰ درصد از مردم معتقدند که دفتر نتانیاهاو مقصر اصلی حملهٔ «غافلگیرانه» حماس است، اما پس از اتمام درگیری‌ها، بسته به نتیجهٔ آن‌ها، می‌توان از او سؤال کرد. تخریب سادهٔ نوار غزه با تلاش برای انتقال قدرت به فتح معتدل‌تر از حماس در کرانه باختری، برای هیچ طرفی مناسب نخواهد بود. فلسطینی‌های غزه اکنون خواهان انتقام‌گیری سخت هستند و فقط صفوف تندروان اسلامی را افزایش خواهند داد. در این شرایط، کارگزاران فتح به رهبری محمود عباس بعید است بخواهند به غزه بازگردند، بخصوص اینکه آن‌ها را خائن و دست‌نشاندهٔ اسرائیل تلقی می‌کنند. ساکنان کرانهٔ باختری بار دیگر با نگرانی به غزه و با خشم به نتانیاهاو نگاه خواهند کرد. و سپس پیگردهای فعلی نتانیاهاو به اتهام فساد، که از طریق ماجراجویی‌های مختلف از آن فرار می‌کند، ممکن است مانند یک وزش ملایم باد قبل از طوفان واقعی به نظر برسد. این احتمال وجود دارد که او در تلاش برای جلوگیری از عواقب پیگردها، مسیر تشدید درگیری‌ها را دنبال کند.

با توجه به نگرش بشدت منفی افکار عمومی جهان نسبت به اسرائیل به دلیل اقدامات وحشیانهٔ آن علیه توده‌های عظیم جمعیت غیرنظامی فلسطین که به هیچوجه با حماس مرتبط نیستند، ممکن است حمایت معنوی از اسرائیلی‌ها به تدریج از بین برود و ضمن این، بیماران بیمارستان در جنوب غزه و کشتار صدها نفر از مردم، که توسط خود اسرائیل به نوعی به عنوان منطقهٔ امن تعیین شده بود، می‌تواند موجب تحکیم کل جهان عرب و اسلام بر پایهٔ ضدیت با اسرائیل بشود. او که مخالفان نه چندان جدی را با ابزار نظامی شکست داده، ممکن است خود را در یک موقعیت بسیار خطرناک سیاسی و استراتژیک گرفتار کند. خطر تحریم نفت فقط توسط کشورهای خلیج فارس، که اکنون مطرح است، می‌تواند گرایش غرب نسبت به «تنها دموکراسی» در خاورمیانه را یک شبه تغییر دهد. اما گزینه‌های بسیار شدیدتر دیگر نیز وجود دارند.



موشه «بوگی» یعلون

جای تعجب نیست که موشه «بوگی» یعلون، وزیر دفاع بسیار مورد احترام سابق اسرائیل و رئیس ستاد کل این کشور در دولت‌های چپ‌گرا، این روزها می‌گوید: «نتانیاهاو یک تهدید جدی برای موجودیت اسرائیل است. او اکنون باید استعفا دهد».

نقل از: [بنیاد فرهنگ راهبردی](#)

۲۷ مهر-میزان ۱۴۰۲